

## میزگردی برای بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی



سلطانی| «کانون بحث و انتقاد دینی» که به ابتکار شهید هاشمی‌زاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شده بود، این روزها دوباره جان گرفته‌است. شامگاه سه‌شنبه اولین نشست از سلسله نشست‌های «چهل سالگی انقلاب اسلامی» در این دفتر برگزار شد. در اولین جلسه از این سلسله‌نشست‌ها مسئله میزان تحقق

عدالت اجتماعی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مهدی نصیری، محقق و پژوهشگر دینی، دکتر ابراهیم رزاقی، استاد بازنشسته گروه اقتصاد دانشگاه تهران، و دکتر

غلامرضا صدیق‌اورعی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، در این نشست هر کدام از منظر علمی خود به بحث پیرامون عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی پرداختند.

لازم به ذکر است که نشست‌های



«چهل سالگی انقلاب اسلامی» به همت دفتر مرکز ملی پاسخ‌گویی سؤالات دینی خراسان و ضوی برگزار می‌شود. حمزه واقعی که مسئولیت این دفتر را بر عهده دارد در این باره اظهار کرد: در این طرح ۴۰ نشست پیش‌بینی شده‌است که در آن عملکرد جمهوری اسلامی در مسائل مهمی مانند، عدالت، آزادی، استقلال، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی بررسی می‌شود.

## شماره ۲۳

روزنامه شهرامید وزنگی

**شنبه**
۲۳ خرداد ۱۳۹۷
۲۱ رمضان ۱۴۱۸
شماره ۲۳

SHARHARONLINE.IR

۱۱



## تجدد

مسعود سلطانی| مهدی نصیری از روزنامه‌نگاران است که وارد حوزه مطالعات اسلامی و اندیشه‌ای شده‌است. او زمانی مدیرمسئول روزنامه کیهان بود و اکنون مسئولیت نشر به سمات را بر عهده دارد. نصیری در نشست «چهل سالگی انقلاب اسلامی» سخنانی صریح درباره عدالت اجتماعی بیان کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از سخنان اوست:
از سال ۶۷ روزنامه‌نگاری می‌کنم و به همین دلیل موارد بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و مفاسد اقتصادی را دیدم. فساد در ایران در دهه ۶۰ زایش اندکی داشت و امروز ابعاد بسیار وحشتناکی پیدا کرده‌است. در این جلسه می‌خواهم به این مسئله از زوایه دیگری نگاه کنم. در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌خواهیم درباره کامیابی‌ها و ناکامی‌های جمهوری اسلامی بحث کنیم. معتقدم جمهوری اسلامی در این فرایند ۴۰ساله نمره قبولی می‌گیرد، زیرا اساسا تداوم نظام جمهوری اسلامی، اسقاط رژیم طاغوتی شاه و همین‌طور دستاوردهایی که تا امروز داشته‌ایم چیزی شبیه معجزه است. در عین حال جمهوری اسلامی در مسئله عدالت اجتماعی که اخیرا مقام معظم رهبری هم این موضوع را تصدیق کردند و پذیرفتند، آن‌گونه که باید موفق نبوده‌است.

● تحلیل‌خط خط درباره عدالت

می‌خواهم بگویم در تحلیل ناموفق بودمان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باید به یک عامل بسیار مهم توجه کنیم که در این سال‌ها به آن کم‌توجهی شده‌است. توجه به این عامل می‌تواند نگاه و تحلیل ماسا را از مسائل متحول کند. اگر از این قضیه غافل شویم، بر بسیاری از افراد جامعه یأس چیره خواهد شد، کما اینکه اکنون این‌گونه شده‌است. مسئله این است که اساس این که در عصر غیبت و روزگار جدید که به آن دوران «سیطره مدرنیته» می‌گویم، وقتی حکومتی دینی تشکیل می‌شود، میزان توفیقش در تحقق احکام الهی چقدر می‌تواند باشد؟تلقی رایج این است که خیلی مانع جدی بر سر راه نیست و تفاوتی بین عصر حضور امام معصوم (ع) و عصر غیبت ایشان وجود ندارد و ما به دلیل معین نگاه و به دلیل غفلت از عامل غیبت معصوم (ع) و همین‌طور غفلت از سیطره مدرنیته در ۱۰۰ سال اخیر، مسئله حکمرانی را از روز اول پیروزی انقلاب اسلامی ساده گرفتیم. ما مسئله حکمرانی با سهولت‌تر خورد کردیم و

## دربچه

ابراهیم رزاقی استاد بازنشسته گروه اقتصاد دانشگاه تهران است. او مدرک دکتری خود را در رشته توسعه اقتصاد از فرانسه گرفته‌است، با این وجود همه او را به نظر مخالف با اقتصاد غربی یا لیبرال می‌دانند. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخشی از نظرات دکتر ابراهیم رزاقی در نشست «چهل سالگی انقلاب اسلامی» است. او در این جلسه به طرح دیدگاه پیرامون عدالت اجتماعی از منظر علمی خود پرداخت.

● اقتصاد ایران قانون‌محور است

عدالت در مکان‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد ولی انقلاب اسلامی ایران تعریف خود را از عدالت از منظر اقتصادی مشخص کرده‌است. در اصل دوم قانون اساسی آمده‌است جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به اسلام اداره می‌شود و همین‌طور در اصل سوم آمده‌است: «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفق فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن

ممکن است هر کسی هر لحظه که اراده می‌کند به رهبری دست‌رسی داشته باشد؟بسیاری از حرکت‌ها در مسیر تجربه رشد پیدا می‌کنند. اما مسئله این است که بعد از گذشت ۴۰ سال باز همچنان به این موضوع توجه نداریم.

● تعادل جامعه در زمان غیبت

جامعه‌ای متعادل است که در رأس آن حجت معصوم خداوند قرار داشته باشد، ارثه دین و اقامه دین در حد مطلوب و رضایت‌بخش تنها با حضور مبسوطالید حجت معصوم خداوند امکان پذیر است و لاغیرابا وجود این معتقدم در شرایط غیبت امام معصوم (ع) بخشی از دین قابل تحقق است و لازم است که محقق شود. اما فقط بخش محدودی این امکان را دارد. توجه به این مسئله در هر حرکتی مهم است که در آغاز توانایی‌ها و ناتوانی‌ها را بشناسیم. به نظر من نگاه ما به فلسفه تاریخی انطباق کامل با مبانی دینی ندارد. مسا برش‌هایی از دین‌را ملامت قرار دادیم که کار درستی هم بود اما از برش‌هایی نیز غفلت کردیم. البته معنای این روایت این نیست که در عصر غیبت نباید برای تحقق دولت‌ها بتوانند اسکانس بدون پشتوانه چاپ کنند. این در حالی است که ۳۰۰ سال پیش، دزدترین دولت‌ها چنین توانایی نداشتند تا با این روش به مردم ظلم کنند. توجه داشته باشید پیشهاد نمی‌کنم اسکانس را کنار بگذاریم زیرا گریزی از این وضعیت نیست، همان‌طور

● مدرنیته، بدعتی در مقابل راه انبیا
علاوه بر مسئله غیبت حجت معصوم (ع) خداوند یک مسئله دیگر هم هست، اینکه انقلاب اسلامی از یک جهت در بدترین شرایط تمدنی روزگار به پیروزی رسید، معتقدم تجدد و مدرنیته بدعتی در مقابل نقشه راه و مسیری که انبیا ترسیم کرده بودند است. کل

مدرنیته بدعت بوده‌است و این بدعت عالم و آدم را ویران کرده‌است و حداقل تعادل و توازنی را که در دوران سنت در عرصه‌های معیشتی باقی مانده بود ویران کرد. مدرنیته منشا هفت یا هشت بحران اساسی بوده‌است که هر کدام از این بحران‌ها به صورت واحد برای نابودی بشریت در ظرف یک یا دو قرن آینده کافی است. تأثیر مدرنیته در جوامع مختلف شدت و ضعف دارد اما جامعه ایران به شدت تأثیر پذیرفته‌است. ما با بستر تمدنی ویران در ابعاد مختلف روبه‌رو شدیم. به عنوان مثال همه می‌دانیم در دو قرن گذشته پول طلا و نقره بوده‌است اما بعد از ظهور اقتصاد مدرن پول اعتباری یا اسکانس رایج می‌شود و این بستری فراهم کرد تا دولت‌ها بتوانند اسکانس بدون پشتوانه چاپ کنند.

دزدترین دولت‌ها چنین توانایی نداشتند تا با این روش به مردم ظلم کنند. توجه داشته باشید پیشهاد نمی‌کنم اسکانس را کنار بگذاریم زیرا گریزی از این وضعیت نیست، همان‌طور

حجت‌الاسلام قزایی، رئیس شورا نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های خراسان رضوی:
**زمانی که خبری از مدرنیته نبود، اجرای عدالت در تمام زمان‌ها برای بشریت کار مشکلی بوده‌است.**



استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد:

## عدالت در جامعه نامتعادل محقق نمی‌شود



موضوع بگویند اما هر کدام از مسئولان برای خود عذری می‌تراشیدند. حال که آنرا سوء آموزش اضافی برای همه مشخص شده‌است تعداد کسانی که قائل به بد بودن آموزش اضافی هستند فراوان شده‌است. با وجود این اگر همین حالا هم جلوی آموزش اضافی را بگیرند ما خوشحال می‌شویم اما باز هم این روند اشتباه ادامه دارد.

● الگوی زیست اضطراری

الگوهای زندگی اجتماعی قبل از انقلاب موجب نارضایتی مردم شد و انقلاب کردند. الگوهای زندگی چیزهای ساده‌ای نیست که جامعه آن را بفهمد و به سادگی عوض کند. تغییر الگوهای زندگی مردم در نتیجه کارهای بسیار مفصل فکری، ایجاد تعادل جمعی و البته الگوی جانشین ساختار امکان‌پذیر است. با وجود این در سال ۵۷ به دلیل اینکه این لایه‌های صفر اجتماعی در حرکت انقلابی به شدت جمع شدند، الگوهای اجتماعی تغییرات زیادی پیدا کرد و در فاصله سال‌های ۵۷ تا حدود ۵۹ رفتارهای خوب اجتماعی بسیار دیده شد. برای اطلاع از این مسئله کافی است به روزنامه‌های آن زمان رجوع کنید که در گزارش‌ها آمده‌است. مردم چگونه با هم در یک شرایط خوب رفتار تعامل می‌کردند اما این وضعیت با وقوع جنگ تحمیلی دچار تغییراتی شد.

به عنوان مثال در زمان جنگ برای اینکه مشکل تغذیه عمومی پیش نیاید و بحران پشت جبهه‌ای ایجاد نشود، سهمیه‌بندی و کوپن ایجاد شد که از منطری خوب بود. اما آن شرایط البته این شاخص‌ها را هم وقتی چیزی به عنوان اضطرار مطرح شود باید عمر کوتاهی داشته باشد.

وقتی جنگ تمام شد، باید اضطرار‌ها برداشته می‌شد و به حالت عادی بر می‌گشتیم، اما چون الگوی جدیدی نداشتیم، همان حالت قبلی (کوپن و سهمیه‌بندی) به نوعی الگوی عادی تلقی شد. انگار تمام پتانسیل انقلاب اسلامی در شرایط «اضطرار» می‌توانست تحقق بیرون پیدا کند و مورد قبول عموم باشد. لذا به نوعی روندهای اضطراری تداوم پیدا کرد.

● جمهوری اسلامی در سال ۵۷ سالم بود

حکومت خراب خود به خود ایجاد نمی‌شود. جمهوری اسلامی در سال ۵۷ سالم بود. جامعه‌ای که نتواند سالم شود حکومت را هم مثل خود می‌کند. جامعه و حکومت روی هم تأثیر دارند.

این رویکرد که همه باید خواندن و نوشتن را بدانند، ناشی از همان تفکر اقتصاد سرمایه‌داری است که می‌گوید کارگر باید آموزش دیده باشد تا بتواند در محل کارخانه نشانه‌ها، تابلوها و جزوات را بخواند. این شکل از آموزش در جامعه ما خود نوعی «عدم تعادل» است.

آموزش اضافی در سیستم آموزش رسمی کشور از دبستان تا دکتری در جامعه ایران یک عدم تعادل جدی است. این عدم تعادل فرصت‌ها را از بین برده، اشتغال ایجاد نکرده و فقر نسبی را هم به شدت بالا برده‌است.

● جرتی که برای حقیقت نبود

اگر ۴۰ سال پیش کسی نمی‌دانست که این آموزش اضافی آسیب دارد، حرفی نبود اما بی‌تردید در همان زمان هم عده‌ای نسبت به این موضوع علم داشتند و حتی این مسئله سر کلاس‌های دانشگاه تدریس می‌شد اما مسئله این است که کدام مقام مسئول در جمهوری اسلامی به خودشن این اجازه را می‌داد که بگوید مدرسه رفتن اضافی بد است!

حداقل پنج سال در رادیو علیه آموزش اضافی صحبت کردم و به تناسب از مدیران می‌خواستیم که یک جمله در نهی این

حجت‌الاسلام غلامرضا صدیق‌اورعی عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی است. او جزو مبارزان فعال در انقلاب اسلامی بوده و تجربه ارزشمندی در این مسیر کسب کرده‌است. دکتر اورعی در نشست «چهل سالگی انقلاب اسلامی» درباره میزان تحقق عدالت اجتماعی و فرهنگی در جامعه سخنان تکان‌دهنده‌ای بیان کرد که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

● تحقق عدالت در تعادل

اگر «عدالت» را آن چیز بدانیم که در «تعادل» رخ می‌دهد در بررسی فکری و تشخیصمان از «عدالت» به فهم مشترک آسان‌تری می‌رسیم. همچنین لازم به ذکر است که یکی از آثار «تعادل» پایداری است. با وجود تمام دیدگاه‌های متعارضی که در جامعه‌شناسی وجود دارد، بر سر این مسئله اتفاق نظر است که تمام اندیشمندان تعادل را در نتیجه استفاده از الگوی عقلی و الگوی طبیعی می‌دانند و اینکه هر وقت در هر سطحی تعادل وجود داشته باشد، مشکلاتی هم برای بهم زدن تعادل به‌وجود خواهد آمد.

اگر از جامعه‌شناسی بپرسیم جامعه چه موقع خوب کار می‌کند، در پاسخ می‌گوید زمانی که تمام عناصر با یک‌دیگر در تعادل باشند.

پاسخ به این سؤال که در جامعه ایران در ۴۰ سال گذشته در ابعاد فرهنگی و اجتماعی تا چه میزان عدالت در جامعه وجود داشته‌است، به نظر من خیلی ساده از طریق شاخص‌هایی که ما آن‌ها حوزه‌های علمیه بدون توازن است، اگر توازن بود که بعد از ۴۰ سال نباید عنوان «دکتری» بالاتر از «آیتا...» می‌بود. البته این مثال بسیار دم‌سنستی است. استاد اورعی مثال دقیقی بیان کردند، همه ما از نهضت سوادآموزی تعریف کردیم اما هیچ‌کس شک نکرد که چه ضرورتی دارد همه باسواد باشند؟

یکی از اندیشمندان غربی ثابت کرده‌است که اساسا نظام مدرسه‌روی در خدمت ساخت انسانی‌با نیازهای سرمایه‌داری است. این کارکرد دقیقا در نظام اجتماعی ما نیز وجود دارد. ما باید یک با نگرئی کنیم و این نتیجه در اعلام کنیم که در عصر غیبت در روزگار سیطره مدرنیته امکان تحقق «دولت تراز دین»، «جامعه تراز دین» و «تمدن تراز دین» وجود ندارد. تراز دین بودن نه به عنوان دولت مهدوی بلکه به معنی تراز همین فکر موجودمان با تمام کاستی‌هایی که دارد.

● آموزش اضافی

کافی‌است بررسی کنیم که بهداشت، تحصیل، مسکن، خوارک و... در جامعه ما به چه صورت توزیع می‌شود و آیا اوضاع خوبی دارد یا خیر.

اما فکر می‌کنم این مسائل جنبه روینایی دارد و چه‌بسا پرداختن به آن باعث آسیب‌هایی به ما شده‌است. برای نهضت سوادآموزی در زمان شاه و همین‌طور در جمهوری اسلامی هزینه‌های بسیاری انجام شد تا همه سواد خواندن و نوشتن را داشته باشند. آدم‌های بسیاری را سرکلاس درس آوردیم که الان آموخته‌های خود را فراموش کرده‌اند، زیرا این درس‌ها برایشان کاربردی نداشته‌است.

این رویکرد که همه باید خواندن و نوشتن را بدانند، ناشی از همان تفکر اقتصاد سرمایه‌داری است که می‌گوید کارگر باید آموزش دیده باشد تا بتواند در محل کارخانه نشانه‌ها، تابلوها و جزوات را بخواند. این شکل از آموزش در جامعه ما خود نوعی «عدم تعادل» است.

آموزش اضافی در سیستم آموزش رسمی کشور از دبستان تا دکتری در جامعه ایران یک عدم تعادل جدی است. این عدم تعادل فرصت‌ها را از بین برده، اشتغال ایجاد نکرده و فقر نسبی را هم به شدت بالا برده‌است.

● جرتی که برای حقیقت نبود

اگر ۴۰ سال پیش کسی نمی‌دانست که این آموزش اضافی آسیب دارد، حرفی نبود اما بی‌تردید در همان زمان هم عده‌ای نسبت به این موضوع علم داشتند و حتی این مسئله سر کلاس‌های دانشگاه تدریس می‌شد اما مسئله این است که کدام مقام مسئول در جمهوری اسلامی به خودشن این اجازه را می‌داد که بگوید مدرسه رفتن اضافی بد است!

حداقل پنج سال در رادیو علیه آموزش اضافی صحبت کردم و به تناسب از مدیران می‌خواستیم که یک جمله در نهی این